

قانون مجازات عمومی

در باره مسئولیت این دسته نیز عقاید بر دو نوع است. اول عدم مسئولیت مطلق آنها چه هنگام بروز دیوانگی و چه در مرحله اعاده بحالت عادی - برهان طرفداران این نظر همانا تأثیرات شدید مرحله دیوانگی شخص و بقاء آن اثرات در وی هنگام اعاده بحالت طبیعی است که معتقدند برطبق ادله طبی ثابت شده که شخص تا مدتها بعد از ظهور مرض اسیر عوارض آنست و این امر در مورد جنون بیشتر از سایر امراض ذی اثر و افراد مبتلا بجنون ادواری را تا مدتها بعد از رفع حالت مزبور گرفتار آثار خود میکند بهمین جهت کرده این اشخاص از روی وجود کمال عقل و تملک کامل اراده و شعور نبوده اگر عمل نکوهیده بنمایند نتیجه همان اختلال قبلی و بنا بر این مسئولیت جزائی نخواهند داشت.

دسته دیگر برخلاف عقیده بر مسئولیت کامل این قبیل اشخاص داشته و تمسک بهمدم مسئولیت را برای عملیات بعد از رفع عارضه جنون (که ممکن است گاه بفاصله زیادی سرزند) رافع مسئولیت ندانسته و در هر حال خطرناک بحال جامعه میدانند.

امروزه ایجاد تیمارستانها و مخصوصاً مؤسسات تربیتی برای مبتلایان باختلال مشاعر از هر قبیل که باشد تا حدی از بحث در موضوعات فوق و گرفتن جانب یکی از این دو عقیده مارا بی نیاز میسازد - چه در سایه توسعه علم و ترقی تمدن غالب اختلالات دماغی قابل علاج و بهحض بروز جزئی ترین تزلزلی در قوای دماغی شخص فوراً ویرا به مؤسسات نامبرده رهبری کرده و مادام که عارضه مزبور بکلی رفع نشود شخص مبتلا تحت نظر بوده و بحال و مهلتی برای ارتکاب عمل نکوهیده ندارد. با اینحال نمیتوان بکلی منکر احتمال در وقوع جرمی

علاوه بر نظر فوق منطق دیگری نیز برای عدم قبول عقیده دسته قبل موجود است و آن اینست که درجه بندی مسئولیت و تشخیص میزان مجازات در باره مبتلایان باختلال مشاعر بقدری مشکوک و درعین حال موجب فرار غالب مجرمین و تمسک آنها بمرض فوق میگردد که با آنکه هنوز رشته علوم فوق بحدی ترقی نکرده که بکلیک حالات مختلفه اختلال و میزان مسئولیت هر یک را دقیقاً معلوم سازد اینست که توسل بجنین نظری جز ایجاد اختلال در جامعه و تشویق غیر مستقیم مجرمین (در ارتکاب جرائم و پنهان قرار دادن اختلال مشاعر خود) نتیجه دیگری نخواهد داشت.

شق دوم از جنون همان دیوانگی بمعنای اخص است و آن عبارت از زوال مطلق اراده است بطوریکه شخص مالک اراده خود نبوده و اعمال و افعالش مورد تقییس و تشخیص و تمیز او نیست در این حالت اتفاق بر عدم مسئولیت دیوانه بوده منتها شرط اصلی در این عدم مسئولیت همانا وجود دیوانگی هنگام ارتکاب جرم است.

پس عارضه جنون بعد از وقوع عملی تأثیری در مسئولیت جزائی شخص نداشته و فقط مانع موقتی است از تعقیب فاعل بطوریکه بمحض بر طرف شدن مرض جنون شخص مرتکب مورد تعقیب واقع و بمجازات عمل خود خواهد رسید.

دیوانگی بمعنای اخص دارای دو حالت است یکی جنون دائم و پیوسته که شخص بطور متمادی برای تمام عمر پامدت طولی مبتلای بانست - یکی هم جنون ادواری که عارضه گذری و گاه ظاهر و موجب زوال کامل عقل و اراده گردیده و شخص را از حالت عادی زندگی خارج میکند - و گاه همان شخص از حالت مزبور خارج و بحالت عادی برگشته رفتار و حرکاتش کاملاً شبیه بشخص عاقلی است

چنانچه در بعضی از کشورها مستی جنحه است و در برخی دیگر خلاف .

۲- مستی (وسیله یا موجب ارتکاب جرم) که عبارت از استعمال مایع الکلی بقصد انجام جرم و یا انجام جرم هنگام مستی است .

۱- مستی وسیله انجام جرم و یا مستی از روی عمد و قصد و آن نوشیدن الکل است بقصد ارتکاب جرم و برای تحریک و تقویت احساسات شخص .

در این مورد نه تنها مستی رفع مسئولیت جزائی نمیکند بلکه در بیشتر اوقات موجب تشدید مجازات میشود از این نظر که استعمال الکل برای ارتکاب جرم حاکی از سبق ذهن نوشنده و عقیده ثابت و راسخ اوست بانجام نقیض چه یکی از آثار ظاهری الکل در بدن انسان همانا تحریک قوای فعاله، تهییج قوه تهور و تخدیر احساسات رقیقه است بطوریکه حس تائر زائل و انجام عملی که شخص

در موقع عادی جرئت آنرا ندارد هنگام مستی کاملاً آسان میشود پس اگر کسی با علم بنائیرات الکل و بقصد ارتکاب جرمی با استعمال آن مبادرت کند ولو آنکه وقوع جرم در زمان مستی کامل و زوال عقل و اراده باشد مسئولیت مرتکب بجای خود باقی و در حقیقت شخص نامبرده تصمیم بانجام جرم را هنگام نوشیدن الکل - و قبل از آنکه قوای دماغیش دچار اختلال شود - گرفته و حوادث بعدی بهیچوجه تأثیری در صحت و درستی مشاعرویی در لحظه استعمال الکل ندارد زیرا در آن موقع احساسات - عواطف - حس تمیز و تشخیص و اراده شخص کامل و تصمیم بنوشیدن مایع الکلی خود بمنزله مرحله اول شروع جرم محسوب میشود.

ب - مستی موجب ارتکاب جرم - که عبارتست از نوشیدن الکل بی آنکه نوشنده قصد ارتکاب جرمی داشته باشد و بر سه قسم است :

۱ - مستی از روی بی احتیاطی شخص و افراط او

۲ - مستی از روی عادت

۳ - مستی اتفاقاً

از جانب این قبیل اشخاص گردید همین قدر مختصر آند کردیم که عقیده سابق الذکر هنوز بحدی توسعه نیافته که موجب اقناع عموم و اتفاق کلیه علماء و قوانین مجازات در سلب مسئولیت مجنون ادواری مطلقاً گردد پس بموجب قانون مجازات شخص نامبرده فقط وقتی مسئول عملیات خود نیست که ثابت شود اعمال مزبور هنگام حدوث دیوانگی انجام شده باشد که در اینصورت از مسئولیت مبری و تنها تصمیمی که درباره وی گرفته میشود همانا سپردن او به تیمارستان برای معالجه است .

هم چنین است کسیکه پس از انجام عمل خود دیوانه شده باشد چه قبل از تعقیب و صدور حکم محکومیت و چه بعد از آن مشارالیه نیز چنانچه گفتیم به تیمارستان فرستاده میشود که تحت معالجه قرار گیرد - تعقیب شخص نامبرده فقط وقتی ممکن است که مرض وی بکلی رفع شده باشد .

ب - مستی

غالب قوانین جزائی مستی را از دو جهت مورد نظر قرار داده اند اول مستی از حیث نفس عمل دوم مستی از حیث آنکه وسیله یا موجب ارتکاب جرم شود .

۱ - مستی - که عبارت از آشامیدن مایع الکلی است بحدی که موجب اختلال مشاعر و احساسات گردد - حالت مزبور نه تنها برای شخص مست ضرر مالی و بدنی تولید میکند بلکه خسران عملش بجامعه نیز متوجه است بهمین جهت است که حتی از قدیم الایام مستی دارای مجازات و پاره از قوانین مذهبی نیز استعمال نوشابه را ممنوع و بطور کلی عمل مستی را مجازات میدادند - بعدها که از نظر علمی مضرات الکل کشف و آشکار گردید هیئت های اجتماعی بنوبه خود در ظاهر ساختن مضرات و فهماندن نتایج وخیم استعمال الکل کوشش بسیار نمودند برخی از آنها باین هم قناعت نکرده و مجازات مخصوصی برای مستی قائل شدند که بسته بنوع محیط و اقتضای طبیعت و تمدنی نوع مجازات را شدید یا خفیف کرده اند :